

فصل ۵۱

مناسبات تولید و مناسبات توزیع

ارزش افزوده جدید ایجاد شده توسط کار افزوده جدید در طی سال - و در نتیجه همچنین آن بخش از محصول سالانه که این ارزش در آن پدیدار گشته و می تواند از کل بازدهی بیرون کشیده و مجزا گردد - به سه بخش تجزیه می گردد که شکل سه درآمد مختلف را بخود می گیرند، اشکالی که بیانگر آنند که یک بخش از این ارزش متعلق به نیروی کار است یا نصیب آن می شود، قسمی دیگر به صاحب سرمایه و قسمت سوم به مالک زمین تعلق می گیرد. پس اینها مناسباتی و یا اشکالی از توزیع هستند، زیرا که آنها نمایانگر مناسباتی هستند که کل ارزش جدیداً تولید شده تحت آنها در بین صاحبان فاکتورهای تولیدی مختلف تقسیم می گردد.

از منظر عمومی، این مناسبات توزیع همچون مناسباتی طبیعی پدیدار می گردند که مستقیماً از ذات تمامی تولید اجتماعی، از قوانین تولید انسانی بطور عموم، نشأت می گیرند. نمی توان منکر این شد که جوامع ماقبل سرمایه داری دارای شیوه‌های دیگری از توزیع بوده‌اند، اما اینها را همچون تکامل نیافته، ناقص و مبدل می انگارند که هنوز به تجلی خالص و بالاترین شکل خود و به شیوه طبیعی مناسبات توزیع ای که به طرز متفاوتی تدقیق شده‌اند مبدل نشده‌اند.

تنها وجه صحیح این طرز تفکر این است که: اگر نوعی از تولید اجتماعی را مفروض بگیریم (مثلاً همبودی بدوی در هند و یا کمونیسم کمی مبتکرانه تر تکامل یافته پرو)، همیشه می توانیم تفکیکی قائل شویم بین آن بخش از کار که محصولش مستقیماً توسط تولیدکننده و خانواده‌اش منفرداً مصرف می شود و - بجز بخشی که به مصرف مولد می رسد - بخش دیگری از کار که همیشه کار اضافه است و محصولش به خدمت رفع نیازهای عمومی اجتماعی گرفته می شود، صرفنظر از اینکه این محصول اضافه چگونه تقسیم می شود و اینکه چه کسی به عنوان نماینده این نیازهای اجتماعی عمل می کند. پس هویت شیوه‌های گوناگون توزیع تنها در این است که اگر از گوناگونی آنها و اشکال ویژه شان چشم پوشی کنیم و تنها یگانگی شان و نه گوناگونی شان را مد نظر داشته باشیم، لذا آنها با هم یکسانند.

اما یک ذهن تکامل یافته تر و نقاد در ضمن تکامل تاریخی خصلت مناسبات توزیع را به رسمیت می شناسد^{۵۶a}، اما هر چه محکم تر به کاراکتر نامتغییر مناسبات تولیدی می چسبد که مطابق با این نظرگاه از ذات انسانی برخاسته و از هر گونه تکامل تاریخی مستقل است.

از دیگر سوی تحلیل علمی از شیوه تولید سرمایه داری برعکس ثابت می کند که آن، نوع خاصی از شیوه تولیدی با خصلت تاریخی ویژه‌ای می باشد؛ اینکه آن همچون تمام دیگر شیوه‌های بخصوص تولید به سطح معینی از نیروهای بارآور اجتماعی و اشکال توسعه شان بمثابة پیشفرض تاریخی آن مشروط می باشد؛ پیشفرضی که خود نتیجه و محصول تاریخی ای از یک فرآیند قبلی بوده و شیوه جدید تولید از آن بمثابة اساسش منتج می گردد؛ {این تحلیل نشان

۵۶a- ج. استوارت میل «چند مسئله حل نشده از اقتصاد سیاسی»، لندن ۱۸۴۴.

می دهد} که مناسبات تولید ای که مطابق با این شیوه تاریخی معین تولیدی بخصوص هستند - مناسباتی که انسانها در حین فرآیند زندگی اجتماعی شان، آنگاه که زندگی اجتماعی شان را تولید می کنند، به آن وارد می شوند - دارای خصلتی تاریخی، ویژه و موقت می باشند؛ و نهایتاً اینکه مناسبات توزیع غالباً با این مناسبات تولید مطابق اند و روی دیگر آنها هستند، بگونه‌ای که هر دوی آنها دارای خصلتی تاریخی موقت می باشند.

در بررسی مناسبات توزیع، نقطه عظیمت در وهله نخست از این به قولی فاکت می باشد که محصول سالانه به دستمزد، سود و اجاره زمین تقسیم می گردد. اما اینچنین شیوه بیانی نمایانگر حقیقت نیست. محصول از یک سو به سرمایه و از سوی دیگر به درآمدها تقسیم می گردد. یکی از این درآمدها، دستمزد، همواره خود فقط همین شکل از درآمد را بخود می گیرد، یعنی درآمد کارگر را، بعد از اینکه آن قبلاً در مقابل همین کارگر در شکل سرمایه ایستاده بوده است. رو در روی شرایط کار تولید شده و محصولات کار بطور کل بمثابة سرمایه در مقابل تولیدکنندگان مستقیم از ابتدا دلالت بر یک خصلت اجتماعی معین دارد که شرایط مادی کار در مقابل کارگران دارند و لذا مناسبات معینی که آنها با صاحبان وسایل تولید و با یکدیگر در حین خود تولید به آن وارد می گردند. در ضمن اینکه این شرایط کار مبدل به سرمایه می گردند، بر این دلالت دارد که تولیدکنندگان مستقیم از زمین خلع ید می شوند و لذا دلالت دارد بر شکل معینی از مالکیت زمین.

اگر بخشی از محصول مبدل به سرمایه نمی شد، در آنصورت بخش دیگر نمی توانست شکل دستمزد، سود و اجاره زمین بخود بگیرد.

از سوی دیگر هنگامیکه شیوه تولید سرمایه داری این شکل معین اجتماعی شرایط تولید را پیشفرض دارد، لذا آن را مکرراً بازتولید می نماید. آن تنها محصولات مادی را بازتولید نمی نماید، بلکه همچنین آن مناسبات تولیدی را که محصولات تحت آن تولید می شوند و لذا مناسبات توزیع مطابق با آن را نیز بازتولید می نماید.

می توان گفت که خود سرمایه (و مالکیت ارضی که همچون آنتی تزش مشمول آن است) از پیش یک تقسیم را پیشفرض دارد: سلب مالکیت کارگران از شرایط تولید، تمرکز شرایط تولید در دست معدودی از افراد، زمین منحصراً در مالکیت افرادی دیگر، کوتاه سخن تمام آن اوضاعی که در بخش مربوط به انباشت اولیه توضیح داده شد (جلد ۱ فصل ۲۴). اما این تقسیم کاملاً از آنچه بعنوان مناسبات توزیع شناخته می شود متفاوت است، اگر به این آخری خصوصیتی تاریخی در تقابل با مناسبات تولید تعلق داده شود. آنچه که در اینجا مد نظر است آن القاب مختلفی هستند که به بخشهایی از محصول که به مصرف افرادی می رسند داده می شود. برعکس مناسبات توزیع فوق الذکر اساس عملکردهای ویژه اجتماعی ای هستند که در مناسبات تولید توسط عواملی از آن در تقابل با تولید کنندگان مستقیم به انجام می رسند. آنها به خود شرایط تولید و نمایندگانشان یک کیفیت ویژه اجتماعی می دهند. آنها خصوصیت کل تولید را، تمام حرکات آن را تعیین می کنند.

شیوه تولید سرمایه داری از آغاز دارای دو وجه مشخصه می باشد.

اولاً، محصولات خود را بمثابة کالا تولید می کند. نه اینکه کالا تولید می کند، بلکه اینکه کالا بودن مشخصه حاکم و تعیین کننده آن است، آن را از دیگر شیوه‌های تولید تفکیک می کند. این در وهله نخست بر این دلالت می کند که کارگر خود تنها بمثابة یک فروشنده کالا، یعنی همچون کارگر مزدی آزاد، پدیدار می گردد و لذا کار در کل همچون کار مزدی. نظر به آنچه تا بحال گفته شد، کاملاً غیرضروری است که از نو نشان داده شود که رابطه بین سرمایه و کار مزدی

تعیین کننده کل خصوصیت شیوه تولید می باشد. عوامل اصلی خود این شیوه تولید، سرمایه دار و کارگر مزدی، از این نظر تنها تجسم یابی و شخصیت یافتگی سرمایه و کار مزدی می باشند؛ خصوصیات معین اجتماعی ای که توسط پروسه تولید اجتماعی بر افراد نقش می بندد؛ محصولاتی از این مناسبات اجتماعی تولیدی معین.

خصوصیت (۱) محصول بمتابۀ کالا و (۲) کالا همچون محصولی از سرمایه، پیش از این دربر دارنده تمام مناسبات گردش می باشد، یعنی یک پروسه معین اجتماعی که محصولات می بایست از سر بگذرانند و تحت آن مشخصات اجتماعی معینی بخود بگیرند؛ این همچنین شامل مناسبات معینی بین عوامل تولید می باشد که توسط آنها ارزش افزایی محصولشان و تبدیل مجددشان یا به وسایل معاش و یا وسایل تولید، تعیین می گردد. اما حتی صرفنظر از این، تمام تعیین ارزش و تنظیم کل تولید توسط ارزش همه نتایجی از آن دو خصوصیت یاد شده بالا می باشند، اینکه محصول کالا است و یا کالا یک کالای سرمایه دارانه تولید شده است. در این شکل بسیار ویژه از ارزش، کار از یک سو تنها همچون کار اجتماعی مطرح است؛ از سوی دیگر توزیع این کار اجتماعی و تکمیل و تبادل متقابل محصولاتش، تابعیتشان از و معرفیشان به مکانیسم اجتماعی به انگیزه‌های اتفافی و متقابلاً خنثی کننده سرمایه داران منفرد واگذار گردیده است. از آنجاییکه اینها تنها به عنوان صاحبان کالا در مقابل یکدیگر قرار می گیرند و هر کدام سعی دارد که کالای خود را هر چه گرانتر بفروشد برسانند (و ظاهراً حتی در تنظیم خود تولید فقط توسط امیال خویش رهنمون می گردند)، لذا قانون درونی تنها از طریق رقابت بین آنها، فشاری که متقابلاً بر یکدیگر وارد می آورند و نوسانات را از آن طریق خنثی می سازند، خود را به اجرا درمی آورد. تنها بمتابۀ یک قانون درونی، همچون قانونی کور در مقابل عوامل منفرد است که قانون ارزش در اینجا نقش خود را ایفا می کند و توازن اجتماعی تولید را در میان این نوسانات اتفافی برقرار می کند.

در ضمن پیش از این در خود کالا و از آن هم بیشتر در کالا بمتابۀ محصول سرمایه، شیئیت یافتگی تعینات اجتماعی تولید و شخصیت یافتگی اساس مادی تولید مفهوم است، چیزیکه مشخصه کل شیوه تولید سرمایه داری می باشد.

دومین صفت مشخصه شیوه تولید سرمایه داری تولید ارزش اضافه بمتابۀ هدف مستقیم و انگیزه تعیین کننده می باشد. سرمایه اساساً سرمایه تولید می کند و این را تنها تا آنجاییکه ارزش اضافه تولید کند انجام می دهد. هنگامی که ما ارزش اضافه نسبی و در ضمن تبدیل ارزش اضافه به سود را بررسی می کردیم دیدیم که چگونه بر این اساس شیوه تولیدی تکامل می یابد که مختص دوران سرمایه داری می باشد - شکل ویژه‌ای از تکامل نیروی بارآور اجتماعی کار که در مقابل کارگر همچون نیروی سرمایه استقلال یافته و لذا در تقابل مستقیم با تکامل خود کارگر قرار می گیرد. تولید برای ارزش و ارزش اضافه - همانگونه که در طول بررسی ما نشان داده شد - همراه است با تمایلی دائماً فعال برای تقلیل زمان کار لازم برای تولید یک کالا، یعنی ارزش کالا، به زیر متوسط اجتماعی مستولی در هر زمان. نیاز به کاهش هزینه به حداقل، محکم ترین اهرم برای افزایش نیروی مولد اجتماعی کار می شود که ضمناً در اینجا فقط به شکل افزایش دائمی نیروی بارآور سرمایه پدیدار می گردد. اتوریت‌های که سرمایه دار بمتابۀ شخصیت یافتگی سرمایه در پروسه مستقیم تولید بخود می گیرد، یعنی آن عملکرد اجتماعی ای که او همچون مدیر و فرمانروای تولید از خود بروز می دهد، ماهیتاً با آن اتوریت‌های که در تولید بر مبنای برده و سرف و غیره اعمال می گردد متفاوت است.

در حالیکه توده تولیدکنندگان مستقیم بر پایه تولید سرمایه داری در تقابل با خصلت اجتماعی تولیدشان قرار می گیرند که در شکل اتوریت‌های بشدت تنظیم کننده و مکانیسم اجتماعی ای از فرآیند کار که به صورت هیرارشی ای کامل سازمان داده شده می باشد - اتوریت‌های که ضمناً به حاملین اش تنها همچون شخصیت یافتگی شرایط کار در تقابل با کار مربوط می گردد و نه همچون حکمفرمایان سیاسی و مذهبی، آنگونه که در شیوه‌های تولید پیشین مرسوم بود - در عوض در میان حاملین این اتوریت‌ها، یعنی خود سرمایه داران که در مقابل یکدیگر تنها بمتابۀ صاحبان کالا قرار می گیرند، یک آنارشی کامل حکمفرمایی می کند که در آن روابط اجتماعی تولید خود را فقط بمتابۀ قانون طبیعی ای مقتدر در مقابل امیال انفرادی تثبیت می کنند.

تنها به این دلیل که کار پیش از این در شکل کار مزدی موجود است و وسایل تولید به شکل سرمایه موجودند - یعنی فقط به سبب شکل ویژه اجتماعی این دو عنصر مهم تولید - بخشی از ارزش (محصول) همچون ارزش اضافه پدیدار می گردد و این ارزش اضافه همچون سود (اجاره زمین)، بمتابۀ منفعت سرمایه دار، به عنوان ثروت اضافی در دسترس که متعلق به اوست. اما تنها از این جهت که ارزش اضافه بمتابۀ سود او پدیدار می گردد، لذا آن وسایل تولید اضافه‌ای که برای توسعه بازتولید در نظر گرفته شده‌اند و بخشی از این سود را تشکیل می دهند، خود را همچون سرمایه‌ای اضافه و جدید، و توسعه پروسه بازتولید در کل خود را بشکل پروسه انباشت سرمایه داری به نمایش می گذارد.

هر چند که شکل کار بمتابۀ کار مزدی برای آن شکلی که تمام فرآیند به خود می گیرد و برای خود شیوه مشخص تولید قطعی است ولی این کار مزدی نیست که ارزش را تعیین می کند. در مورد تعیین ارزش مسئله مربوط می شود به زمان کار اجتماعی بطور کل، کمیتی از کار که اجتماع در کل در دسترس دارد و جذب نسبی آن در محصولات مختلف که تعیین کننده اهمیت متناسب اجتماعی شان می باشد. آن شکل ویژه‌ای که در آن زمان کار اجتماعی به عنوان عنصری تعیین کننده در ارزش کالاها خود را جا می اندازد البته مرتبط است با شکل کار بمتابۀ کار مزدی و با شکل منطبق وسایل تولید بمتابۀ سرمایه، تا آنجاییکه تنها بر این اساس است که تولید کالایی شکل عمومی تولید می شود.

در ضمن اجازه بدهید که خود این به اصطلاح مناسبات توزیع را ملاحظه کنیم. دستمزد کار مزدی را و سود سرمایه را پیش فرض دارد. پس این اشکال معین توزیع پیش شرطشان وجود خصوصیات مشخص اجتماعی برای شرایط تولید و مناسبات اجتماعی معین مابین عوامل تولید می باشد. لذا مناسبات توزیع معین فقط بیانی است برای مناسبات تولید تاریخی معین.

و اکنون به سود بپردازیم. این شکل بخصوص از ارزش اضافه پیش شرطی است برای این که ایجاد تازه وسایل تولید به شکل تولید سرمایه داری اتفاق بیافتد؛ پس یعنی مناسباتی که بر بازتولید چیره است، هر چند که برای تک سرمایه دار به گونه‌ای پدیدار می گردد که انگار او در واقع می توانست تمام سودش را همچون درآمد به مصرف برساند. در ضمن او در اینصورت با محدودیتهایی حتی در شکل بیمه و سرمایه احتیاطی، قانون رقابت و غیره روبرو خواهد بود که به او در عمل نشان می دهد که سود تنها یک مقوله توزیع برای محصول قابل مصرف انفرادی نمی باشد. بعلاوه تمام فرآیند تولید سرمایه داری از طریق قیمت محصولات تنظیم می گردد. اما خود قیمت‌های تولیدی تنظیم کننده دوباره از طریق هم سطح سازی نرخ سود و تقسیم متناسب سرمایه مابین قلمروهای تولیدی مختلف در جامعه تنظیم می گردند. پس سود در اینجا بمتابۀ فاکتور اصلی، نه فقط برای تقسیم محصولات بلکه همچنین برای خود تولیدشان پدیدار می گردد، همچون فاکتوری برای تقسیم سرمایه‌ها و تقسیم خود کار در بین قلمروهای

متفاوت تولید. تقسیم سود به منفعت صاحبکار و بهره همچون تقسیم تنها یک درآمد جلوه می کند. اما آن در وهله نخست از توسعه سرمایه بمثابه یک ارزش خود افزا، آفریننده ارزش اضافه، یعنی از این شکل ویژه فرآیند تولید اجتماعی مسلط، نشأت می گیرد. آن از خود اعتبارات و مؤسسات اعتباری را و لذا شکل تولید را بیرون می دهد. اشکال نمایان توزیع همانند بهره و غیره بمثابه فاکتورهای تعیین کننده تولیدی در قیمت وارد می شوند.

اجاره زمین {بهره ارضی} می بایستی که تنها بمثابه یک شکل از توزیع نمایان گردد زیرا که مالکیت ارضی هیچ عملکردی و یا لااقل هیچ عملکرد نرمالی را در خود پروسه تولید انجام نمی دهد. اما شرایطی که در آن (۱) اجاره زمین محدود است به مازادی که ورای سود میانگین است و (۲) مالک زمین از مدیر و کارفرمای پروسه تولید و کل فرآیند زندگی اجتماعی بودن به جایگاه فقط یک موجر زمین، یک تنزیل خوار زمین و تحصیلدار اجاره زمین تقلیل داده می شود، {این شرایط} نتیجه تاریخی ویژه ای از شیوه تولید سرمایه داری می باشد. اینکه زمین شکل مالکیت ارضی به خود گرفته یک پیشفرض تاریخی برای این {شرایط} است. این واقعیت که مالکیت ارضی اشکالی به خود گرفته که اجازه اداره کشاورزی به شکل سرمایه داری را می دهد، نتیجه ای از کاراکتر بخصوص این شیوه تولیدی می باشد. حتی در اشکال اجتماعی دیگر نیز ممکن است که درآمد مالک زمین اجاره زمین خوانده شود، اما این بسیار متفاوت از این اجاره زمینی است که تحت این شیوه تولید نمودار می گردد.

پس آن باصطلاح مناسبات توزیع از اشکال ویژه اجتماعی تاریخاً معین فرآیند تولید منشأ می گیرند و بر روابطی که افراد متقابلاً در پروسه تولید زندگی انسانیشان با هم برقرار می کنند منطبق میباشند. خصلت تاریخی این مناسبات توزیع خصلت تاریخی مناسبات تولید است، چیزیکه آنها فقط یک جنبه آنرا بیان می کنند. توزیع سرمایه داری از صورتهای توزیعی ای که از شیوه های تولیدی دیگر برمی خیزند متفاوت است، و هر شکلی از توزیع همراه با شکل معین تولیدی ای که از آن منشأ گرفته است و با آن منطبق است از بین خواهد رفت.

آن دیدگاهی که تنها مناسبات توزیع را تاریخاً معین می پندارد و نه مناسبات تولیدی را، دیدگاهی است که از یک سو تنها یک انتقاد آغازین اما هنوز مشوش از اقتصاد بورژوایی می باشد. و از سوی دیگر متکی است بر شناسایی و اشتباه گرفتن پروسه تولید اجتماعی با فرآیند ساده کار که می تواند حتی توسط یک انسان کاملاً ایزوله و بدون هیچ گونه کمک اجتماعی نیز انجام گیرد. تا آنجاییکه فرآیند کار فقط یک فرآیند مابین انسان و طبیعت باشد، اجزاء ساده آن برای تمام اشکال تکامل اجتماعی مشترک می باشد. اما هر صورتبندی معین تاریخی ای از این فرآیند، اشکال اجتماعی و پایه آنرا بیشتر تکامل می دهد. هنگامی که به مرحله معینی از کمال رسید، شکل معین تاریخی خود را بدور افکنده و برای شکلی عالی تر جا باز می کند. فرا رسیدن زمان اینچنین بحرانی خود را توسط عمق و عرض تضادها و آنتاگونیسم های مابین مناسبات توزیع و لذا همچنین شکل معین تاریخی روابط تولیدی منطبق با آن از یک طرف و نیروهای مولد، نیروهای تولیدی و تکامل عناصر آن از طرف دیگر آشکار می گرداند. در این هنگام نبردی بین تکامل مادی تولید و شکل اجتماعی آن آغاز خواهد شد.^{۵۷}